

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 154

Date of filing: 18.NOV87

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
 - Date of Award \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of Mr Ansari  
 - Date 18.NOV87  
 \_\_\_\_\_ pages in English 10 pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

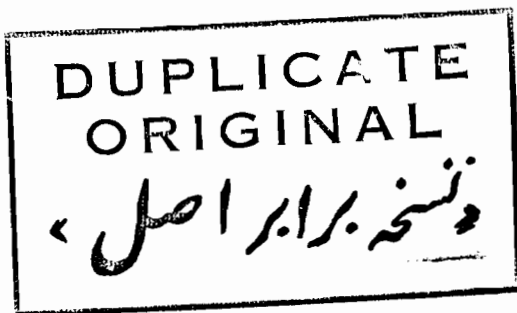
بنام خدا

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعوى ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	18 NOV 1987 ۱۳۶۶ / ۱۸ / ۲۷
No.	154

پرونده شماره ۱۵۴

شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۵۴-۳۲۲



اکسان کورپوریشن،

خواهان،

- و -

شرکت ملی نفت ایران،

بانک مرکزی ایران و

دولت ایران،

خواندگان.

نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری

مقدمه

دعوى خواهان در این پرونده در واقع متشکل از دو قسمت متمایز است. تمایز این دو قسمت از یکدیگر معلول وضعیت متفاوت شرکت ملی نفت ایران نسبت به هریک از این قسمت‌ها می‌باشد.

در قسمت اول، شرکت نفت طرف مستقیم سفارش خرید محموله روغن توربو می‌باشد. در قسمت دوم شرکت نفت طرف مستقیم روابط قراردادی با خواهان نیست بلکه شخصیت حقوقی مستقل

دیگری تحت عنوان "شرکت خدمات نفتی ایران با مسوولیت محدود (آیروس)" در میان این رابطه وجود دارد. که طرف قراردادی مستقیم با خواهان است. بنابراین مناسب آنست که این دو قسمت بطور متمایز مورد اظهارنظر قرار گیرد.

#### الف - رابطه قراردادی خواهان با شرکت ملی نفت ایران

۱- این رابطه قراردادی ناشی از ارسال یک فقره سفارش خرید مقداری روغن توربو از ناحیه شرکت نفت و قبول سفارش خرید از ناحیه خواهان است. طرف قرارداد بودن شرکت نفت، حمل و تحویل محموله و ماهیت ادعای خواهان برای مطالبه قیمت محموله مزبور مورد اختلاف طرفین نیست. آنچه که مورد اختلاف طرفین و انگیزه اینجانب در مخالفت با این قسمت از رای می باشد آن است که تعلق بهره با توجه به اقدام مناسبی که خوانده در جهت پرداخت دین خود کرده بوده است، بشرحی که ذیلا" خواهد آمد، منطبق با قواعد حقوقی و موازین انصاف نیست.

۲- آنگونه که در پاراگراف ۱۷ رای منعکس است، خواهان مدارک لازم برای وصول ثمن فروش روغن توربو را در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یعنی روزی که انسداد دارائیهای ایران در ایالات متحده صورت گرفت به نماینده خوانده در نیویورک تسلیم نمود. با استمرار وضعیت انسداد دارائیهها و قطع روابط سیاسی و بحران ناشی از این اوضاع که کرارا" بازگو شده است و نیازی به تکرار مجدد ندارد، امکانی برای خوانده نسبت به پرداخت ثمن معامله موجود نبود. با این وصف خوانده بمنظور ابراز حسن نیت خود در اجرای قرارداد، از طریق "شرکت کالا" در انگلستان طی مکاتباتی که آخرین آنها تلکسی در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۱ و تلکس دیگری در تاریخ ۵ فوریه ۱۹۸۲ می باشد از خواهان خواستار گردید که با صدور برات بر عهده شرکت نفت از طریق یکی از بانکهای اروپائی برای دریافت مبلغ مربوط، اقدام کند و تاکید نمود با اولین ارائه، پرداخت انجام خواهد شد. خواهان از این فرصت برای وصول طلب خود استفاده ننمود و در جریان رسیدگی به

پرونده حاضر نیز قادر نبود علت غفلت خود را توضیح دهد.

۳ - اکثریت این اقدام توأم با حسن نیت خواننده را در اعلام آمادگی برای پرداخت در فوریه ۱۹۸۲ حمل بر آن کرده است که پرداخت از طریق بانک اروپائی قبل از تاریخ فوق، یعنی از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ ببعدهم امکان پذیر بوده است و در نتیجه خواننده را ملزم به پرداخت بهره پس از انقضاء سی روز از تاریخ صدور صورتحساب خواهان نموده است.

واقعیت مسلم آنست که از تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ ببعده خواننده بعلت وجود انسداد دارائیهایش در آمریکا و نتیجه " وجود حالت فورس مازور از پرداخت معذور بوده است. رجوع کنید: پیسیکو، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، ۱-۱۸-۲۶، نظر مخالف آقای عاملی، صفحات ۶۵ ببعده. اشتباه استدلال اکثریت در رای آنست که اقدام خواننده را پرداخت در طی سال ۱۹۸۱ که پس از اعلام بیانیه‌های الجزایر است و نهایتاً فوریه ۱۹۸۲ در نظر نمی‌گیرد. زیرا پس از رفع انسداد است که خواننده آمادگی خود را برای پرداخت مبلغ مربوط اعلام می‌نماید. بنابراین اینجانب دلیلی نمی‌بینم که اعلام پیشنهاد بعدی خواننده را برای پرداخت مبلغ از طریق یک بانک اروپائی حمل بر آن بنمائیم که قبل از تاریخ مذکور نیز امکان پرداخت برای خواننده وجود داشته است. این امری است که می‌بایست توسط خواهان ثابت می‌گردید ولی دلیلی بر اثبات آن ارائه نشده است. بنابراین در غیاب هرگونه دلیل مخالف، منطق قضائی حکم می‌کند که خواهان نتیجه اقدام به ضرر خود را متحمل گردد.

ب - رابطه قراردادی خواهان با شرکت خدمات نفتی ایران با مسوولیت محدود

۴ - قسمت دوم دعوی خواهان متشکل از دو ادعا که ناشی از رابطه قراردادی خواهان با شرکت خدمات نفتی ایران با مسوولیت محدود (آیروس) است می‌باشد. در این رابطه قراردادی، شرکت ملی نفت ایران طرف مستقیم هیچیک از این معاملات نیست. بنابراین

تمامی بحث و استدلال اکثریت در جهت آنست که آیا شرکت خدمات نفتی ایران با مسوولیت محدود (آیروس) بعنوان نماینده شرکت خدمات نفت ایران (اسکو) عمل می‌کرده است یا نه و در صورت اول، شرکت نفت بر اساس جانشینی بر تعهدات اسکو، جانشین تعهدات آیروس نیز می‌باشد.

۵ - از نظر اینجانب دلایل و استدلال‌ات ارائه شده در رای کافی برای ایجاد چنین ارتباط حقوقی مستقیمی میان آیروس و شرکت نفت نیست. از این رو لازم می‌دانم دلایل و واقعیات موجود را دوباره بررسی و بازگو نمایم.

۶ - استدلال اکثریت، در حقیقت، مبتنی بر دو قرارداد است: قرارداد ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳ میان آیروس و اسکو، و قرارداد خدمات ۱۹۷۳ میان شرکت نفت و اسکو. بندهای ۴۸ و ۴۹ رای (۱)، استنباطی را ارائه می‌دهد که نه تنها از دو قرارداد فوق مستفاد نمی‌شود، بلکه

(۱)

۴۸ - آیروس هیچکدام از خصوصیات را که از یک پیمانکار مستقل می‌توان انتظار داشت، ندارد. آیروس پیشنهاد خرید یا معامله‌ای به اسکو نداده، بلکه فقط به تقاضای صریح اسکو عمل کرده است. آیروس ریسکی تقبل نکرده و سودی عایدش نشده و هزینه‌های آن تماماً از طریق اسکو توسط شرکت نفت بازپرداخت شده است. آیروس اقدامی به عمل نمی‌آورد تا خدماتش را در اختیار اشخاص دیگر قرار دهد، بلکه توسط اسکو ایجاد شده و منحصرأ مورد استفاده وی بوده است. آیروس کالایی را انبار نمی‌کرد و یا پرسنلی را برای ارائه خدمت به اسکو استخدام نمی‌نمود، بلکه صرفاً کالاها و خدمات موردنیاز اسکو را تهیه و تامین می‌کرد. همانطور که دبیر شرکت آیروس اظهار داشته، آیروس خود را مسئول دیونی که از جانب اسکو متحمل می‌شد نمی‌دانسته، بلکه صرفاً خود را رابط بین طرفهای قرارداد، یعنی خواهان و اسکو تلقی می‌کرده است. (خط تاکید اضافه شده است)

۴۹ - بررسی قرارداد مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳ [۲۹ آبان ماه ۱۳۵۲] فیما بین آیروس و اسکو و قرارداد خدمات ۱۹۷۳ فیما بین شرکت نفت و اسکو موید این مطلب است که آیروس منحصراً به منظور ارائه "خدمات اداری و فنی" به اسکو تاسیس شد. بعلاوه، حتی با توجه به نبود توصیف روشنی از قرارداد، این نتیجه‌گیری که آیروس به عنوان پیمانکار مستقلی عمل کرده، با توجه به شرط صریح سفارشهای خرید مبنی بر اینکه "کار طبق قرارداد اسکو انجام" و "حق الزحمه آن پس از تایید اسکو قابل پرداخت خواهد بود"، منطقی نیست. (خط تاکید اضافه شده است)

چیزی نیست که بصراحت و بنحو ارائه شده در زای موردادعای خواهان بوده و در نتیجه موردبحث و بررسی طرفین دعوی قرار گرفته باشد و لازم دانسته باشند در خصوص سایر فعالیت‌های تجاری آبروس با اشخاص ثالث یا در قالب‌های دیگر با اسکو، مدرکی ارائه دهند، لذا بحث بناچار محدود به خود قراردادهای می‌شود و تا آنجا که به قراردادهای موردبحث مربوط است، مفهوم انحصار - آنگونه که در بند ۴۹ رای منعکس است - از آن مستفاد نمی‌شود. ماده ۵ قرارداد خدمات ۱۹۷۳ میان شرکت نفت و اسکو را بهر نحوی که بخوانیم، نتیجه‌گیری بسیار مستبعد اکثریت از آن بدست نمی‌آید(۲). قرارداد ۱۹۷۳ میان آبروس و اسکو نیز نافی وجود سایر اشکال روابط تجاری میان همان طرفین و یا میان آبروس با اشخاص ثالث نیست.

با اینکه همانطور که ذکر شد این موضوع که آیا آبروس فعالیت‌های تجاری دیگری در ارتباط با اسکو یا اشخاص ثالث داشته است یا خیر، موضوع مورد بحث پرونده نبوده و طرفین لازم ندیده‌اند در این خصوص مدارکی ارائه دهند معبداً برحسب اتفاق، نامه مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ آقای مک ورتنر مشاور حقوقی آبروس را در پرونده حاضر در اختیار داریم که اگرچه بمنظور دیگری ارائه شده است ولی در عین حال نشانگر آنست که آبروس طرف‌های تجاری دیگری هم داشته است. نامه مزبور در قسمت مربوط بشرح زیر است:

"آبروس سپس وارد قرارداد خدمات بعنوان اصیل با اصیل با شرکت ملی نفت ایران و شرکت خدمات نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران شد."

---

(۲) ماده ۵ - قرارداد با شرکت خدمات نفتی ایران با مسئولیت محدود

شرکت خدمات، قراردادی با شرکت خدمات نفتی ایران با مسئولیت محدود، جهت عرضه خدمات مربوط به تهیه، بازرسی و ارسال مصالح و مواد و همچنین خدمات اداری و فنی موردنیاز شرکت خدمات برای فعالیت‌های خارج از ایران، منعقد خواهد نمود.

برخی از این خدمات ممکن است توسط موسسات دیگر بر حسب روش مورد موافقت طرفین انجام شود مشروط بر آنکه خدمات بر مبنای رقابتی تحصیل گردد.

۷ - استدلال دیگر اکثریت در توجیه نظر خود، در بند ۴۸ رای، آنست که "آیروس ریسکی تقبل نکرده و سودی عایدش نشده و هزینه‌های آن تماما" از طریق آسکو توسط شرکت نفت بازپرداخت شده است." این مطلب در ماده ۲ قرارداد ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳ میان اسکو و آیروس بنحو زیر پیش بینی شده است:

۲- شرکت خدمات هزینه واقعی تمام خدمات انجام شده، از جمله هزینه‌های بالاسری اداری و تمام هزینه‌های دیگر که بنحو شایسته و بر مبنای اصول کلی موردقبول سیستم‌های عمده حسابداری (از این بابت به نام "هزینه واقعی") باشد را به آیروس خواهد پرداخت. آیروس یک نسخه از صورتحسابهای محاسبات جاری بین شرکت خدمات و خود را که بنحو شایسته در تاریخ سی و یکم دسامبر هر سال بوسیله ممیزین مورد قبول طرفین ممیزی شده باشند را تسلیم شرکت خدمات خواهد نمود. گواهی ممیزی بیان خواهد داشت که آیا مبالغ مطالبه شده از شرکت خدمات در رابطه با هزینه‌های متحمله بابت خدمات انجام شده به درخواست شرکت خدمات نمایانگر هزینه واقعی همان ارقام برای آیروس هستند یا خیر. ضمنا گواهی فوق تصدیق خواهد کرد که سهمیه هزینه‌های بالاسری اداری و دیگر هزینه‌های مطالبه شده از شرکت خدمات بر مبنای اصول کلی پذیرفته شده در امور حسابداری تهیه و مطالبه شده‌اند.

ترتیب پرداخت فوق منحصر به رابطه بین نماینده و اصیل نیست و لذا نمی‌تواند ضابطه تعیین ماهیت رابطه طرفین قرارداد باشد. بعنوان مثال ترتیب فوق بصورت مختلف در رابطه بین کارفرما و پیمانکار نیز مصداق پیدا می‌کند. در این خصوص به قرار اعدادی هیئت عمومی دیوان داوری در پرونده اولیل فیلداوتکراس و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران اف ۰ تی - ۴۳ - ۱۰ - آی ۰ تی ۰ ال ۰ اشاره می‌کنم که طی آن دیوان عمومی وجود ماده مشابهی در قرارداد خدمات ۱۹۷۳ بین شرکت ملی نفت ایران و اسکو را دلیل وجود رابطه نمایندگی ندانست.

ماده ۱۰ قرارداد موردبحث مقرر می‌دارد:

"ماده ۱۰: هزینه، تامین اعتبار، حسابها، حسابرسی"

شرکت خدمات وظایف خود تحت این قرارداد را بر مبنای غیرانتفاعی انجام و کلیه هزینه‌های متحمل به حساب و بر عهده شرکت نفت خواهد بود. شرکت خدمات هر ساله (و هرماه بطور موقت) صورتحسابهای هزینه‌ها را بصورت مورد تصویب شرکت نفت تهیه و به این شرکت تسلیم

خواهد کرد.

دیوان عمومی وجود چنین قیدی را در قرارداد مورد بحث مثبت رابطه نمایندگی ندانست. دیوان عمومی فراتر رفته و در صفحه ۱۴ از رای فوق الذکر می‌گوید:

"این واقعیت که اسکو ملزم بود از جانب شرکت نفت عمل نماید مغایرتی با نقش یک پیمانکار مستقل ندارد. فی الواقع، ارائه خدمات به دستور یک طرف و کسب سود برای طرف دیگر در طبیعت پیمانکاری است."

نکته قابل توجه آنکه در قرارداد ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳ بین اسکو و آروس هیچگونه قیدی نظیر "از طرف" و "بحساب" بنحوی که در ماده ۱۰ قرارداد منعقد شده بین شرکت ملی نفت ایران و اسکو بشرح فوق مشاهده می‌کنیم وجود ندارد و این بطریق اولی استنباط رابطه نمایندگی بین این دو را متعذر می‌سازد.

۸ - استدلال دیگر اکثریت در بند ۴۹ رای آنست که

"...حتی با توجه به نبود توصیف روشنی از قرارداد، این نتیجه گیری که آروس به عنوان پیمانکار مستقلی عمل کرده، با توجه به شرط صریح سفارشهای خرید مبنی بر اینکه "کار طبق قرارداد آسکو انجام" و حق الزحمه آن "پس از تایید آسکو قابل پرداخت خواهد بود"، منطقی نیست."

برخلاف بیان فوق، اصولاً این امری عادی است که طرفین قرارداد نحوه انجام کار یا پرداخت را موکول به نظر استفاده کننده نهائی از کالا یا خدمت یا حتی شخص ثالثی از قبیل کارشناس یا مهندس مشاور بنمایند، بدون اینکه این امر دلیل وجود رابطه نمایندگی بین یکی از اطراف سلسله زنجیر قراردادها باشد. لازم بتذکر است که شروط فوق در سفارشهای خرید صادره توسط خواهان خطاب به شخص ثالثی که تامین کننده اولیه کالا بوده درج گردیده است و موثر در رابطه حقوقی آروس و اسکو و نیز ماهیت رابطه قراردادی آروس و خواهان که متکی بقرارداد ژوئن ۱۹۷۴ است نمی‌تواند باشد بنحوی که ماهیت رابطه را، بخلاف آنچه در خود قرارداد صراحتاً ذکر شده تغییر دهد.

قرارداد اصلی موضوع دعوی این قسمت از پرونده حاضر که اکثریت خود را با آن آشنا ساخته است قرارداد ژوئن ۱۹۷۴ منعقد شده بین آروس و اکسان کامپنی یو اس آ



(قسمتی از اکسان کورپوریشن) است. (۳)

در این قرارداد کوچکترین قیدی وجود ندارد که حتی بطور ضمنی حاکی از آن باشد که آيروس بعنوان نماینده اسکو وارد معامله شده است. سمت آيروس در این قرارداد آشکارا اصیل است و ضمناً "تعهد پرداخت کلیه هزینه‌های خواهان را نیز آيروس مستقلاً" تقبل کرده است و نه بنماینده‌گی از اسکو. از نقطه نظر روابط طرفین نیز ملاحظه می‌کنیم که خواهان همواره پرداخت صورتحسابهای خود را از آيروس مطالبه می‌کند لذا مواد قراردادها و دلائل دیگر شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد که آيروس بعنوان اصیل با خواهان وارد معامله شده است.

۹ - دلیل دیگر مورد استناد اکثریت بشرحی که در بند ۴۸ رای آمده است نامه دبیر شرکت آيروس می‌باشد بدین مضمون که

"... آيروس خود را مسوول دیونی که از جانب آسکو متحمل می‌شد نمی‌دانسته، بلکه صرفاً خود را رابط بین طرفهای قرارداد، یعنی خواهان و آسکو تلقی می‌کرده است."

این عبارت ظاهراً "استنباط اکثریت از نامه مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۳ آقای کوپر دبیر شرکت آيروس است که در پاراگراف ۳۷ رای نیز قسمتی از آن ذکر شده است. لازم بذکر است که مندرجات نامه مذکور بدلالت متن کامل آن و عنوان نامه و تاکیدات مکرر در متن آن منحصرماً متوجه به صورتحسابهای مربوط به خدمات شرکت‌های عضو کنسرسیوم (M.C.A.) است که موضوع دعوی سوم پرونده حاضر است و متوجه دعوی دوم که در

---

(۳) حتی در آنجائی که اکثریت بطور گذرا و فقط بعنوان شرح ماوقع به این قرارداد اشاره‌ای می‌کند (بند ۲۷ حکم)، منطوق صریح قسمت ذیربط قرارداد مزبور شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد که خواهان تنها آيروس را طرف قراردادی خود می‌شناخته است:

"اکسان کامپنی یواس آء، کلیه ترتیبات لازم و موردنظر، منجمله امضاء اسناد، پرداخت پول و تصفیه مطالبات را به نیابت از طرف شما انجام، و از مجاری بین شرکتها حساب شما را بدهکار خواهد کرد." (تاکید اضافه شده است)

پاراگراف ۴۸ رای مورد بحث است نمی باشد. ضمن آنکه بهر حال نمی توان اظهار فوق را برغم سایر دلائل و مصرحات قرارداد موجود بین طرفین حاکم بر روابط آنها دانست. در عین حال اظهارات فوق الذکر دبیر آبروس با توجه به نظر آقای مک ورتز مشاور حقوقی آبروس بشرح نامه مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ رد شده است (بند ۶ بالا). منطق حکم می کند که در مقام تعارض، خاصه در یک بحث حقوقی نظر مشاور حقوقی شرکت آبروس را بر نظر دبیر آن ترجیح دهیم، در حالیکه اکثریت درست بر خلاف این منطق عمل کرده است. منطق مزبور مبتنی بر اصل نسبی بودن قراردادهاست و خدشه دار کردن چنین اصلی به دلائل قویتری نیاز دارد که دعوی خواهان فاقد آن است. رجوع کنید: سی لند سرویس، اینکوریوریتد، و دولت جمهوری اسلامی ایران، و سازمان بنادر و کشتیرانی، حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵، ص ۱۴-۱۶، و همچنین فیوتورا تریدینگ اینکوریوریتد و شرکت ملی نفت ایران، حکم شماره ۳-۳۲۴-۲۶۳ نظر موافق قاضی پرویز انصاری.

۱۰- استدلال دیگر اکثریت بشرح بند ۵۰ رای دائر بر اینکه

«بالاخره، خواهان بعنوان عضو کنسرسیوم نفت که هم صاحب آبروس و هم صاحب آسکو بود، باید اطلاع کامل از رابطه حقوقی بین آبروس و آسکو داشته باشد.»

مفید فایده ای نیست. زیرا ماهیت اعمال تجاری یک شخصیت حقوقی مستقل را نمی توان با استناد به اظهار سهامدار آن شخصیت که خود خواهان و ذینفع در دعوی و مواضع حقوقی متخذه در آنست، تبیین نمود، خصوصاً آنکه استدلال اکثریت، متضمن تعارض آشکاری است زیرا از یک سو شرکت آبروس که تماماً متعلق به اعضاء کنسرسیوم است نماینده آسکو تلقی می گردد و از سوی دیگر دلائل و اطلاعات لازم درخصوص ماهیت معاملات موضوع دعوی در اختیار چنین نماینده ای است که متعلق به خواهان دعوی است. نتیجه چنین تعارضی آنست که خواننده از دفاع در مقابل ماهیت ادعاهای مذکور عاجز مانده و این مطلب را صریحاً اظهار کرده است.

۱۱- از آنچه گفته شد، آشکار است که شرکت ملی نفت ایران خواننده مناسبی برای پاسخگویی

به قسمت دوم دعوی مطروحه خواهان نیست و بالنتیجه دعوی متوجه چنین خوانده‌ای نمی‌باشد.

ج - بهره و هزینه‌های داوری

۱۲- در مورد بهره و هزینه‌ها نیازی به تکرار نظرات سابق خود نمی‌بینم. رجوع کنید: مک‌کالو اند کامپنی، اینکوریپتد و وزارت پست و تلگراف و تلفن و دیگران، حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵، نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری، و هم چنین اچ.اسپالدینگ، اینکوریپتد و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۳۷-۲۱۲ نظر موافق قاضی پرویز انصاری.

۱۳- نکته‌ای که یادآوری آن را ضروری می‌دانم آنست که هیچ مرجع قضائی مجاز نیست بر آنچه که مورد ادعا و تقاضای خواهان نبوده است حکم صادر نماید و خوانده را ملزم به پرداخت چیزی کند که مورد ادعا قرار نگرفته است. چنین حکمی در صورت صدور، فاقد اعتبار و موجب نقض حکم و یا اعاده دادرسی در مراجع داخلی و چنانچه چنین عملی در رای داوری واقع شود از موجبات لغو و فسخ رای داوری خواهد بود. در پرونده حاضر نیز دیوان بدرستی تاریخ پایان بهره را تاریخ صدور حکم اعلام نموده است و تحریض دیوان به صدور حکم بر زائد از آنچه مورد درخواست خواهان بوده است جز بی‌اعتبار کردن حکم اثر دیگری نخواهد داشت. (۴)

لاسه، ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۶



پرویز انصاری

(۴) رجوع کنید: نظر موافق قاضی برآور ۱۳۶۶/۸/۶ (۲۸ اکتبر ۱۹۸۷)، در پرونده حاضر.